

نقد دیدگاه اتان کلبرگ در تحلیل مفهومی و پیشینه‌شناسی اصطلاح «رافضه»

delaviz59@yahoo.com

masomehesmaeehi@yahoo.com

حسن احمدیان دل‌اوز / دکتری تاریخ اسلام جامعه‌المصطفی العالمیه

معصومه اسماعیلی / استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشکده هدی قم

دریافت: ۹۹/۰۷/۲۵ - پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۹

چکیده

اتان کلبرگ، خاورشناس معاصر و شیعه‌پژوه صهیونیستی و فعال در حوزه مطالعات شیعی است. او در دو مقاله‌ای که در خصوص اصطلاح رافضه تدوین کرده، در تلاش برای تبیین معنای این اصطلاح و پیشینه‌شناسی آن است. کلبرگ با استفاده از منابع متقدم شیعه و اهل سنت، معنای اصطلاحی رافضه و بار معنایی این اصطلاح را مورد بررسی قرار می‌دهد. او بر این نکته اصرار دارد که اصطلاح رافضه که ابتدا دارای معنایی منفی بوده، توسط ائمه شیعه به اصطلاحی مثبت و افتخارآمیز بدل شده است. همچنین پیشینه اصطلاح رافضه را از زمان ادریس نبی و بعد از آن حضرت موسی تا تاریخ اسلام دنبال می‌کند. در نقد دیدگاه او به روش تحلیل محتوای کیفی، به تفسیر دیدگاه وی و شناسایی خالهای این دیدگاه در اصطلاح‌شناسی و شناخت پیشینه پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که کلبرگ اولاً میان معنای لغوی و اصطلاحی قائل به تمایز نشده و از مفهوم‌شناسی لغوی غفلت نموده است؛ به همین دلیل در پیشینه نیز میان دو معنا خلط کرده است؛ ثانیاً او در نهایت نتوانسته مدعای خود را که اثبات بار معنایی مثبت برای اصطلاح رافضه است، به اثبات برساند و دلیل متقنی ارائه کند، بلکه دلایل متعدد تاریخی و حدیثی خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. همچنین وی در مقالات خود به نتیجه روشن نرسیده و صرفاً احتمالات را بیان کرده است و در دسته‌بندی اقوال و احتمالات نیز انسجام روشی و نظم منطقی را رعایت نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: رافضه، رفض، شیعه، اتان کلبرگ، نقد.

ایان کلبیگ (Etan Kohlberg) یکی از مستشرقان و شیعه‌پژوهان معاصر است. او متولد سال ۱۹۴۳م در تیل آویو در فلسطین اشغالی است که مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۹۶۶م و ۱۹۶۸م از دانشگاه اورشلیم اخذ کرد و در سال ۱۹۷۱م در مقطع دکتری از دانشگاه آکسفورد فارغ‌التحصیل شد. عنوان رساله دکتری او «نگرش تشیع امامی به صحابه پیامبر (صلی‌الله علیه و آله)» است. او از سال ۱۹۷۲م به‌عنوان استاد در دانشگاه اورشلیم مشغول به فعالیت علمی شده است.

زمینه تحقیقاتی کلبیگ، تاریخ شیعه، به‌ویژه تشیع امامی است.^۱ برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارتند از:

۱. کتاب «کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او» که به فارسی ترجمه شده است.
۲. مقاله «مطالعات غرب در خصوص تشیع» که در مجموعه مقالات کنفرانس «تشیع، مقاومت، انقلاب» از سوی دانشگاه تل‌آویو در سال ۱۹۸۴م به چاپ رسیده است.
۳. «نگرش تشیع امامی به صحابه پیامبر صلی‌الله علیه و آله» که رساله دکتری کلبیگ است.
۴. مقاله «از امامیه تا اثنی‌عشریه».
۵. مقاله «دیدگاه‌های شیعه در مورد رحلت پیامبر اسلام ﷺ».

برخی از آثار او به زبان فارسی^۲ ترجمه شده و تعداد اندکی از مقالات وی مورد نقد و بررسی^۳ قرار گرفته است. دو مقاله کلبیگ با نام‌های «رافضه» و «اصطلاح رافضه در کاربرد شیعه امامیه» توسط آقایان حیدر دبایغی و محمدحسن محمدی مظفر در مجله هفت آسمان (ش ۷۶، تابستان ۱۳۹۸) ترجمه و نقد شده است. البته رویکرد آن مقاله، ترجمه اثر و مآخذشناسی آن بوده و نقد مختصری بر مقاله در دوازده سطر با عنوان «نقد روشی» انجام شده که در این سطور صرفاً به سه نقد روشی با عناوین ذیل اشاره شده است: ۱. نپرداختن به معنای لغوی عنوان رافضه؛ ۲. ذکر نکردن مستندات تاریخی در به‌کارگیری عنوان رافضه در قیام زید و غیره؛ ۳. اخذ امامیه به‌عنوان مصداق اصلی این اصطلاح؛ اما با توجه به اینکه رویکرد مقاله حاضر نقد دیدگاه کلبیگ است، مقالات وی بار دیگر ترجمه شده است تا دقت کافی در فهم مقصود کلبیگ حاصل شود.

کلبیگ اشراف قابل توجهی بر منابع شیعه امامیه دارد و با دقت به بیان نظرات خویش می‌پردازد و از منابع کهن

1. hujji.ac.il/dataj/controller/ihoker/MOP-STAFF_LINK?sno=247311.

۲. مقاله «نکاتی در باب نگرش امامیه به قرآن» غیر از اینکه با عنوان «شیخ صدوق و نظریه تحریف قرآن» توسط محمدکاظم رحمتی ترجمه و در مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۰، ش ۴۶ و ۴۵؛ و مقاله «نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی‌عشریه» توسط محمدکاظم رحمتی ترجمه و در مجله کتاب ماه دین، ۱۳۸۰، ش ۴۸ و ۴۷ منتشر شده است.

۳. مانند نقد نظریه «از امامیه تا اثنی‌عشریه»، تاریخ در گذرگاه نقد، قم، انجمن تاریخ‌پژوهان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵-۲۰۴. همچنین «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی‌عشری» اثر محسن الویری و «بازخوانی و نقد دیدگاه‌های کلبیگ و مدرسی طباطبایی درباره پیدایش تشیع اثناعشری» از حامد منتظری مقدم نیز از این جمله است.

بهره برده است؛ اما این محاسن، مانع از پرداخت دقیق به محتوای ارائه‌شده کلبِریگ نشده و نویسنده معتقد است که نقدهای جدی به حاصل مطالعات وی قابل ارائه است.

کلبِریگ در دو مقاله خویش به موضوعاتی همچون اصطلاح‌شناسی رافضه و رفض، ماهیت مثبت یا منفی اصطلاح رافضه، پیشینه‌شناسی استفاده از این واژه در تاریخ، اعتقادات و گروه‌های رافضی پرداخته است. وی در بررسی هر کدام از موارد فوق، به منابع معتبر و کهن کلامی، حدیثی و گاه تاریخی مراجعه کرده و به استنادات خود استحکام بخشیده است. نکته قابل توجه اینجاست که دیدگاه کلبِریگ در خصوص رافضه، از هر دو مقاله به دست می‌آید و مقالات مکمل یکدیگرند. مسئله اصلی، نقد دیدگاه کلبِریگ در تحلیل مفهومی و پیشینه‌شناسی اصطلاح «رافضه» است. «تحلیل محتوا» یکی از روش‌های رایج و شناخته‌شده تحقیق و دارای انواع گوناگون است که در این مقاله منظور نقد و ارزیابی دیدگاه کلبِریگ درباره منفی یا مثبت بودن و نیز متحول شدن بار معنایی اصطلاح رافضه است.

۱. تحلیل مفهومی اصطلاح «رافضه»

تحلیل مفهومی یک اصطلاح، متوقف بر شناخت مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن است؛ لذا باید دید کلبِریگ در تحلیل اصطلاح رافضه چه دیدگاهی دارد و بار منفی یا مثبت این اصطلاح را چگونه ارزیابی می‌کند. تحلیل مفهومی نوعی روش تحقیق، از سنخ تحلیل محتواست. تحلیل محتوا به دو قسم کیفی و کمی تقسیم می‌شود. تحلیل کیفی زمانی انجام می‌شود که متن دارای معنای پنهان بوده و به تفسیر محتوایی داده‌ها نیاز داشته باشد.^۱ پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوای کیفی برای کشف و تفسیر مراد مؤلف است.

۱-۱. دیدگاه کلبِریگ

از نظر کلبِریگ، اصطلاح رافضه از این جهت به شیعه منتسب شده که شر را ترک کردند.^۲ وی در تبیین این نظر به برخی کتب شیعه نیز استناد کرده، حدیثی از امام صادق علیه السلام را در اثبات ادعای خود نقل می‌کند: «و از آنجاکه بعد از رحلت پیامبر، بیشتر مسلمانان نخستین دچار انحراف جدی از مسیر حق شدند و فقط شیعیان شر را رد کردند، رافضه نامیده شدند».^۳

او معتقد است که اصطلاح «رافضه» یا «روافض» به چند مصداق اشاره دارد:

الف) همه امامیه^۴ به دلیل ترک دو خلیفه نخست؛^۵

۱. محمدتقی ایمان و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، ص ۱۵-۴۴.

2. Kohlberg, "The Term "Rāfiḍa" in Imāmī Shīʿa Usage, p 677.

۳. فرات کوفی، تفسیر، ص ۱۳۹؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۲۷.

4. Kohlberg, "The Term "Rāfiḍa" in Imāmī Shīʿa Usage, p. 677.

5. Kolberg, Al-Rāfiḍa. in: The Encyclopaedia of Islam, p 386.

به نقل از: سعدین عبدالله اشعری قمی، المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ محمدبن مفلح مقدسی، الفروع و تصحیح الفروع، ص ۳۸.

ب) امامیان نخستین که بعدها شیعه دوازده امامی شدند.^۱

بنابراین در مجموع، اصطلاح رافضه در خصوص امامیه استفاده می‌شود. وی سپس به این سؤال می‌پردازد که بار معنایی این اصطلاح برای شیعه چگونه بوده است؟ کلبرگ با مشاهده پدیده‌های تاریخی و استناد به برخی روایات شیعی به این نتیجه رسیده که لقب رافضه، اگرچه در ابتدا عنوانی اهانت‌آمیز محسوب می‌شده، رفته‌رفته به اصطلاحی توأم با احترام و افتخار از سوی شیعه امامیه بدل شده است. وی می‌نویسد: «اصطلاح رافضه در اصل به معنای یک لقب منفی استفاده می‌شده و در قدیمی‌ترین کاربردش نزد امامیه به معنای افتخارآمیز "کسانی که شر را طرد می‌کردند" مورد تفسیر قرار گرفت».^۲

وی معتقد است که این تفسیر عمدتاً بر مقایسه‌ای میان شیعه و «رافضه نخستین» مبتنی است که شر را در شکل فرعون‌ی آن رد کردند و به جای آن به موسی پیوستند. در نسل‌های بعد، پس از سیر تحولات معنایی متعدد، اصطلاح «رافضه» به لقب منفی همه امامیه بدل شد که کاربرد آن برای یادآوری دو گناه مهم بوده است: گناه ترک زید، از نظر زیدیه؛ و گناه ترک دو خلیفه نخست، از نظر اهل سنت.^۳

وی سپس با نقل تحقیق محققى به نام آی. فردلندر در خصوص اصطلاح «رافضه»، به این نکته اشاره می‌کند که از نظر فردلندر، واژه رافضه صریحاً نام مستعاری منفی است که شیعه هرگز خودشان را به این نام نمی‌نامند؛^۴ اما کلبرگ در نهایت این سخن فردلندر را قاطع نمی‌داند؛^۵ چراکه معتقد است، اصطلاح رافضه به مرور زمان از بُعد منفی خود خارج شده و توسط امامیه در معنای مثبت به کار رفته است. کلبرگ با نقل روایتی از امام صادق علیه السلام این نکته را متذکر می‌شود که این لقب، اگرچه در کاربرد اولیه منفی بوده و توسط مخالفان شیعه بر ضد امامیه استفاده می‌شده، اما در واقع لقب افتخارآمیزی است که خداوند در عهد عتیق و عهد جدید به شیعه داده است؛ لذا این لقب، اعطای خداوند است و او شیعه را «رافضه» خواند و در تحلیل این نظر استدلال می‌کند که این تغییر در کاربرد، رخدادی کاملاً طبیعی است؛ چراکه وقتی رهبران شیعه متوجه شدند که نمی‌توانند خودشان را از این اصطلاح جدا کنند، درصدد برآمدند آن را به امتیازی برای خود بدل کنند.^۶

۱-۲. نقد دیدگاه کلبرگ

ادعای کلبرگ دارای دو بخش اصطلاح‌شناسی و تعیین بار معنایی برای اصطلاح رافضه است که باید مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

در تحلیل دیدگاه کلبرگ باید ابتدا به اصطلاح‌شناسی رافضه پرداخت. «رفض» در لغت به معنای رها کردن و

1. Kolberg, Al-Rāfida, in The Encyclopaedia of Islam, p 386.

2. Ibid

3. Kohlberg, "The Term "Rāfida" in Imāmī Shīā Usage, p. 677.

4. Israel Friedlaende, The Heterodoxies of the Shiites in the Presentation of Ibn Ḥazm, 137-159.

5. Kohlberg, "The Term "Rāfida" , in Imāmī Shīā Usage, p. 677.

6. Ibid.

ترک کردن است^۱ و «رافضی» در لغت به افرادی اطلاق می‌شود که پیشوای خود را ترک کرده و از او منصرف شده‌اند.^۲ همچنین به لشگری که فرمانده خود را ترک کند، رافضه اطلاق می‌شود.^۳

برای رفض در اصطلاح، چند معنا ذکر شده است: برخی گفته‌اند که این اصطلاح به طایفه‌ای از شیعه گفته می‌شود؛^۴ ولی آن طایفه را مشخص نکرده‌اند؛ برخی نیز با تعیین دقیق کاربرد، معتقدند طایفه‌ای از شیعه که زیدبن علی را ترک کردند، رافضه نامیده می‌شوند؛^۵ برخی چون ابن تیمیه نیز با اشاره به سبب نام‌گذاری رافضه، ترک شیخین را معیار اطلاق این اصطلاح می‌دانند.^۶

اما در مجموع، واژه «رافضه» لفظی است که از سوی اهل سنت برای شیعه امامیه انتخاب شده؛ لذا خاستگاه این واژه، بیشتر در منابع اهل سنت است. اهل سنت به دلیل اعتقاد شیعه به وجود نص بر خلافت حضرت علی علیه السلام و قبول نکردن خلفای سه‌گانه، این واژه را برای شیعه انتخاب کرده‌اند.^۷ حال باید به این سؤال پاسخ داد که به چه دلیل واژه رافضه اصطلاحی خاص برای شیعه امامیه شد و اهل سنت طبق چه ملاک و معیاری این اصطلاح را مختص امامیه ساخته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال باید دید معیارهای اهل سنت برای اطلاق این واژه چیست؟ مطالعه متون اهل سنت نشان می‌دهد که ایشان چهار معیار برای اطلاق لفظ رافضه در نظر گرفته‌اند:

۱-۲-۱. اعتقاد به منصوص بودن امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام

اهل سنت گاه به این دلیل شیعه را رافضی می‌خوانند که اعتقاد شیعه را بر منصوص بودن امامت حضرت علی علیه السلام روایت می‌کنند. براین اساس، شیعه معتقد به حقانیت جانشینی حضرت علی علیه السلام به دلیل نص است و بر این باور است که نص قطعی بر این امر وجود داشته؛ اما عده‌ای این نص را کتمان کردند^۸ و نص، یا به جلی یا به خفی، بر جانشینی حضرت علی علیه السلام وجود دارد.^۹ سبکی در اثر خویش با استفاده از عنوان رافضی نوشته است: کتمان نص بر جانشینی حضرت علی علیه السلام و ظلم صحابه به وی، اصل ادعای رافضه است.^{۱۰}

۱. عبدالرحمن رازی، الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۴۶.
۲. مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۶۲.
۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۹؛ محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۵۶.
۴. مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۶۲.
۵. محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۵۷؛ احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۲۲؛ ناشیء اکبر، الاوسط فی المقالات، ج ۱، ص ۸۷.
۶. ابن تیمیه، احمدبن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۴۸.
۷. سعدبن عبدالله اشعری قمی، المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۱۶.
۸. ابن تیمیه، احمدبن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۳۵۶.
۹. همان، ج ۵، ص ۴۸.
۱۰. علی بن عبدالکافی سبکی، فتاوی السبکی، ج ۲، ص ۵۶۷.

۱-۲-۲. انکار خلافت خلفا

برخی از اهل سنت معیار در اطلاق رافضی را انکار خلافت/بویکر می‌دانند؛^۱ چراکه شیعه خلافت/بویکر و عمر و جانشینی آن دو را انکار می‌کند؛^۲ و معتقدند رافضه شیخین را نه تنها انکار می‌کنند، بلکه دشمن می‌دارند^۳ و حتی برخی از اهل سنت دقیقاً به همین دلیل رافضه را کافر دانسته‌اند.^۴

۱-۲-۳. سب و تکفیر صحابه

اهل سنت گاه رافضه را افرادی معرفی می‌نمایند که سب صحابه و جمهور مؤمنین می‌کنند؛ و معتقدند که رافضه از صحابه براءت می‌جویند.^۵ البته این دلیل را برای حکم کردن به فسق^۶ یا کفر رافضه کافی می‌دانند؛^۷ مثلاً سمرقندی با مقایسه رافضه با یهود و نصارا، وی را متهم به کفر کرده است.^۸

۱-۲-۴. محبت اهل بیت

یکی از معیارها در اطلاق لفظ رافضه، صرف محبت اهل بیت است و به همین دلیل، حتی گاهی برخی بزرگان اهل سنت، چون ابن‌دربیس شافعی نیز متهم به رفض شده‌اند. شعری منسوب به شافعی نقل شده که در آن با افتخار گفته است: «اگر محبت به آل محمد رفض است، پس جن و انس شهادت دهند که من رافضی هستم».^۹ در همین زمینه فرزند/بن‌حبیل تعریف شفاف‌تری از رافضه از پدرش نقل کرده است که در کتب اهل سنت دست‌به‌دست می‌چرخد. او می‌نویسد: به پدرم گفتم رافضی کیست؟ گفت: رافضی کسی است که/بویکر و عمر را سب کند.^{۱۰} در مجموع می‌توان گفت که شیعه به سبب محبت اهل بیت و اعتقاد به وجود نص بر اثبات امامت امام علی اقدام به رد خلفا و اعلام براءت از آنان کرده‌اند؛ چراکه غضب خلافت را شری می‌دانند که نباید اتفاق می‌افتاد و اکنون عوامل آن را ترک می‌کنند. بنابراین در میان مسلمانان، اطلاق لفظ رافضه ریشه لغوی و تاریخی دارد؛ درحالی‌که

۱. همان، ص ۵۶۶.

۲. سلیمان بجیرمی، حاشیه البجیرمی علی شرح منهج الطلاب، ج ۲، ص ۳.

۳. ابن تیمیه، احمدین عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۴۸.

۴. عبدالرحمن کلیولی، مجمع الأنهر فی شرح ملتقی الأبحر، ج ۱، ص ۱۶۳.

۵. ابن تیمیه، احمدین عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۲۸، ص ۴۹۳.

۶. محمدبن مفلح مقدسی، الفروع و تصحیح الفروع، ج ۱۰، ص ۱۶۸.

۷. همان؛ زین‌الدین ابن‌نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۵، ص ۱۳۶؛ محمدامین بن عابدین، حاشیه ردالمختار علی الدرالمختار، ج ۷، ص ۱۶۲.

۸. نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر السمرقندی المسمی ببحر العلوم، ج ۲، ص ۵۳.

۹. مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۸، ص ۳۵۴.

۱۰. عبدالله بن احمد بن حنبل، مسائل احمد بن حنبل روایة ابنه عبدالله، ج ۱، ص ۹۹.

کلبِگ در اصطلاح‌شناسی رافضه، اگرچه به اطلاعات منابع تاریخی به‌خوبی توجه داشته، اما به مفهوم لغوی این واژه هیچ توجهی نکرده و تنها به معناشناسی اصطلاحی و پیشینه‌یابی آن اقدام کرده است. البته اگر وی به معناشناسی لغوی می‌پرداخت، ریشهٔ پیشینه این اصطلاح بیشتر عیان می‌شد؛ چراکه واژهٔ رافضه بیشتر براساس معنای لغوی آن کاربرد داشته و براساس معناشناسی لغوی قابل تحلیل است؛ چراکه رافضه در لغت به‌معنای ترک کردن است؛ حال‌گاہ شری مورد ترک قرار گرفته است یا گروهی پیشوای خود را واگذاشته‌اند؛ و اگر این اصطلاح در خصوص شیعه به کار رفته، از دایرهٔ دید اهل سنت اتفاق افتاده است؛ چراکه از نظر ایشان، خلفای منصوب از سوی امت، پیشوای مسلمانان محسوب می‌شوند و شیعیان این پیشوایان را ترک کرده‌اند؛ از این رو لقب رافضه را به شیعه اطلاق کرده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که مشاهده شد، در اصطلاح‌شناسی ابتدا منابع لغوی، سپس اصطلاحی و بعد از آن یافتن نشانه‌ها در منابع تاریخی بهترین راه است تا مسیر فرایند یک اصطلاح را نشان دهد؛ اما کلبِگ از این میان روی نشانه‌شناسی تاریخی متمرکز شده و این اصطلاح را در موطن ادبی و لغوی‌اش دنبال نکرده است.

کلبِگ برای اثبات منظور خود در تثبیت معنای مثبت این اصطلاح، به روایتی در این قضیه به نقل از یکی از شیعیان اشاره می‌کند: «به خدا قسم بهترین نامی است که خداوند شما را با آن مدح کرده است؛ مادامی که قول ما را اخذ کنید و به ما دروغ نبندید.» امام صادق علیه السلام زمانی این قول را فرمود که به وی خبر دادم مردی مرا برحذر داشته است از اینکه رافضی باشم.^۱

کلبِگ براساس روایت فوق، این نکته را مطرح می‌کند که امام در پاسخ به شکایت عیینه، این نام را اعطای خداوند می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که اصطلاح رافضه از نظر امام صادق علیه السلام نامی نیکو برای شیعه است؛^۲ درحالی‌که کلبِگ به ذیل روایت و دلیل قول امام دقت کافی به خرج نداده. در ذیل روایت آمده است که به امام صادق علیه السلام در خصوص این لفظ گزارش شده که ما را از رافضی بودن برحذر می‌دارند و امام علیه السلام در پاسخ وی، این نام را مدح کردند. بنابراین منظور عیینه برحذر داشتن مردم از شیعه بودن است و منظور امام نیز مدح تشیع است؛ لذا کاربرد واژهٔ رافضه در این روایت، در معنای مشخص آن نیست؛ بلکه از جهت اشاره به تشیع بوده است و نمی‌توان بار مثبت این اصطلاح خاص را از روایت نتیجه گرفت.

همچنین کلبِگ به این روایت اشاره می‌کند که امام صادق علیه السلام به خودش اشاره کرده و فرموده است: «من از روافضم». به امام صادق علیه السلام گفتم فلانی ما را به اسمی می‌خواند. امام پرسید: آن اسم، چیست؟ گفت ما را رافضه می‌نامند. امام به سینهٔ خویش اشاره کردند و فرمودند: و من از روافضم.^۳ روایت مورد استناد کلبِگ نمی‌تواند منبع اثبات بار مثبت برای این اصطلاح باشد؛ چراکه صدر این روایت نشان می‌دهد که این اصطلاح موجب آزار شیعه

۱. احمدین محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۷.

2. Kohlberg, "The Term "Rāfiḍa", in Imāmī Shī'āi Usage, p. 677.

۳. احمدین محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۷.

بوده و بار منفی داشته است؛ لذا امام در جهت دلداری شیعه و تعبیر مثبت از این اتفاق، خود را رافضی خواندند. بنابراین، این روایت بیانگر تغییر در ماهیت این اصطلاح نیست.

در تأیید این گفته به روایات دیگری نیز می‌توان اشاره کرد؛ مثلاً در روایتی /بی‌بصیر به امام صادق علیه السلام از اطلاق نام رافضه به شیعه شکایت می‌کند که به واسطه این نام، خون شیعه مباح دانسته شده و اموالشان تصاحب می‌شود و موجب عذابشان است. /بویصیر به امام علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم. ما را با نامی می‌نامند و حاکمان به سبب آن خون و اموالمان را مباح دانسته، عذابمان را جایز می‌دانند. امام علیه السلام فرمود: آن لفظ چیست؟ /بویصیر گفت: رافضه است. امام صادق علیه السلام فرمود: هفتاد نفر از لشکر فرعون او را ترک کردند و به حضرت موسی علیه السلام پیوستند... قوم موسی وی را رافضه خواندند. پس به موسی وحی شد که این نام را در تورات ثبت کن.^۱

عبارات این روایت، نشان‌دهنده میزان عذاب آور بودن این اصطلاح و بار منفی آن برای شیعه است. لذا با مشاهده صدر روایت می‌توان به این نتیجه رسید که عبارت امام علیه السلام در جهت تسکین شیعه و ایجاد نگرشی مثبت بوده است؛ نه اینکه این اصطلاح قلب ماهیت شده باشد.

همچنین در روایتی دیگر همین مطلب از طریق سلیمان /عمش از امام صادق علیه السلام نقل شده است. سلیمان به امام علیه السلام شکایت می‌کند که: مردم ما رافضه می‌نامند. روافض که هستند؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند آنها شما را نمی‌نامند؛ بلکه خداوند در تورات و انجیل به زبان حضرت موسی و عیسی علیهما السلام شما را نامید. ماجرا این بود که هفتاد نفر از قوم فرعون او را ترک (رفض) کردند و به دین موسی وارد شدند و خداوند آنان را رافضه نامید و به موسی علیه السلام وحی کرد که وی را در تورات ثبت کن...؛ و به فرقه‌های زیادی تقسیم شدند و خیر را ترک کردند و شما شر را ترک (رفض) کردید و با اهل بیت علیهم السلام پایداری کردید و به راه پیامبر صلی الله علیه و آله رفتید و آنچه را خدا و رسولش اختیار کردند، انتخاب نمودید. شما رحمت‌شدگانی هستید که نیکی‌شان پذیرفته و سیئاتشان آمرزیده می‌شود. ای سلیمان! آیا تو را خوشحال کردم؟ گفت: بیشتر بفرما. امام علیه السلام فرمود: ... ملائکه برای شما استغفار می‌کنند تا گناهانتان ساقط شود و منظور از قول خدا که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ... وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (غافر: ۷) شیعه ماست.^۲

روایت فوق به چند مطلب اشاره دارد: اول اینکه سلیمان از بار منفی این اصطلاح به امام شکایت می‌کند؛ دوم اینکه امام علیه السلام با بیان پیشینه لغوی این اصطلاح، درصدد تسکین آلام اوست. شاهد این ادعا آنجاست که امام علیه السلام پس از بیان

۱. عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنِ رَجُلَيْنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ اسْمُ سَمِيئَةَ بِهَ اسْتَحَلَّتْ بِهَ الْوَلَاةُ دِمَاءَنَا وَ أَمْوَالَنَا وَ عَدَابَتَنَا قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ الرَّافِضَةُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ عَسْكَرِ فِرْعَوْنَ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ فَأَتَوْا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَكُنْ فِي قَوْمِ مُوسَى ع أَخَذَ أَشَدَّ اجْتِهَادًا وَ لَا أَشَدَّ حُبًّا لِهَارُونَ مِنْهُمْ فَسَمَّاهُمْ قَوْمَ مُوسَى الرَّافِضَةَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى أَنْ ثَبَّتْ لَهُمْ هَذَا الْاسْمَ فِي التَّوْرَةِ فَإِنِّي قَدْ نَحَلْتَهُمْ وَ ذَلِكَ اسْمٌ قَدْ نَحَلْتُمُوهُ اللَّهُ (احمدبن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۷).

۲. فرات کوفی، التفسیر، ص ۱۳۹.

پیشینه لفظ، از سلیمان می‌پرسد: آیا تو را خوشحال کردم؟ این عبارت نشان می‌دهد که مقصود امام علیه السلام کاستن از بار روانی این اصطلاح است. همچنین ذیل روایت، که امام علیه السلام منظور از آیه را شیعه می‌داند، نشان می‌دهد که مقصود امام علیه السلام از این توصیف‌ها، اولاً و بالذات وصف شیعه، و ثانیاً و بالعرض توجیه اصطلاح رافضی و ایجاد بار روانی مثبت در آن است.

اگرچه برخی روایات همچون تفسیر معنایی مثبت امام صادق علیه السلام برای اصطلاح رافضه - صرف‌نظر از بررسی‌های سندی - می‌توانست سبب اعتماد به نفس شیعیان شود و از فشار روانی کاربرد واژه رافضه درباره ایشان بکاهد، اما در عمل به آنجا نرسید که شیعیان پایاپای در کنار استفاده از عنوان شیعی از عنوان رافضی درباره خود استفاده کنند. همچنین باید تأکید کرد که کلبِگ هیچ شاهد تاریخی معتبری در اثبات این ادعای خود ارائه نکرده که نشان دهد شیعیان این واژه را با علاقه و رغبت و پایاپای با عنوان شیعه استفاده کرده‌اند.

به دیگر سخن، براساس روایات یادشده از اهل بیت علیهم السلام می‌توان پذیرفت که واژه رافضه این ظرفیت مفهومی را داشت که بار معنایی‌اش از منفی به مثبت متحول شود؛ اما شهادی در دست نیست که نشان دهد این ظرفیت به فعلیت منجر شده و تحول در عمل واقع شده باشد و شیعیان آن را در شرایط عادی به معنای مثبت به کار برده باشند.

از این رو براساس تحلیل فوق، دیدگاه کلبِگ کاملاً مورد نقد است؛ چراکه با مشاهده نوع نگاه شیعه به این اصطلاح نمی‌توان از کاربرد منفی این اصطلاح صرف‌نظر کرد و به انقلاب معنای آن اندیشید. در حقیقت می‌توان گفت که استفاده از واژه رافضی، همواره برای شیعه بار منفی داشته است؛ چنان‌که نقل شده است، ابوحنیفه درباره شخصی که در خصوص استحقاق فدک برای حضرت زهرا علیها السلام نسبت به عایشه و حفصه سؤال کرده بود، گفت: «یا قوم! نحوه عنی فانه رافضی خیث»؛ ای قوم! این را از من دور کنید؛ چراکه او رافضی و خیث است.^۱

در نمونه‌ای دیگر، از علی بن یقین به هارون الرشید شکایت شد و به‌عنوان اتهام، او را رافضی خواندند.^۲ بنابراین، این واقعیت قابل انکار نیست که این لفظ توسط اهل سنت به‌عنوان یک اتهام به شیعه مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

برای بار منفی معنایی برای اصطلاح رافضه می‌توان شواهد دیگری نیز ذکر کرد؛ مثلاً عمار دهنی (از اصحاب امام صادق علیه السلام) روزی نزد ابن ابی‌لیلی، قاضی کوفه، شهادت داد؛ اما قاضی به او گفت: «فَمُ يَا عَمَّارُ فَقَدْ عَرَفْنَاكَ، لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُكَ لِأَنَّكَ رَافِضِيٌّ»؛ ای عمار! بلند شو. ما تو را می‌شناسیم؛ شهادتت پذیرفته نیست؛ چون تو یک رافضی هستی.^۳

همچنین ذهبی در میزان الاعتدال گفته است که عبدالغفار بن القاسم أبو مریم الأنصاری رافضی است و تقه محسوب نمی‌شود؛^۴ یعنی رافضی بودن نزد اهل سنت موجب عدم پذیرش شهادت و رد توثیق یک راوی بوده و همسان با اهانت است و اطلاق این اصطلاح، موجب آزار شیعه می‌شده است. چنان‌که یونس بن عمار به امام صادق علیه السلام از

۱. ابومنصور طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۸۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۹۴.

۲. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۱۰.

۴. شمس الدین ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۶۴۰.

همسایه خود شکایت کرده که نام او را افشا کرده و هرگاه از روبه‌روی او رد می‌شود، می‌گوید: این رافضی است و مال‌ها را به نزد جعفر بن محمد می‌برد. حضرت در پاسخ یونس به او می‌فرماید: در نماز شب به او نفرین کن...^۱

۲. پیشینه‌شناسی اصطلاح رافضه

کلبرگ در پیشینه‌شناسی مفصلی که از این واژه انجام داده است، به ریشه‌های متفاوتی در خصوص پیدایش این واژه اشاره می‌کند که گاه این ریشه در تاریخ اسلام بوده و گاه از مرز تاریخ اسلام فراتر رفته و در دوران و ادیان دیگر ریشه دارد. به ترتیب تاریخ، او به استفاده از این اصطلاح در دوران ادریس نبی و بعد از آن در دوران حضرت موسی می‌پردازد. کلبرگ در دو موضع این اصطلاح را به یهود بازمی‌گرداند: اولاً آنجا که به مصریان یا بنی‌اسرائیل جدا شده از فرعون «رافضه» گفته‌اند؛ ثانیاً آنجا که گوساله‌پرستان یاران هارون، برادر حضرت موسی، را رافضی خواندند؛ سپس به تاریخ اسلام اشاره می‌کند و ریشه اصطلاح رافضه را به تارکان زید بازمی‌گرداند؛ همچنین به نقلی اشاره می‌کند که طبق آن، مغیره بن سعید (م ۱۹۱ق) به پیروان امام صادق علیه السلام که آن حضرت را ترک کردند، لفظ رافضه را نسبت داده است. وی همچنین در ادامه مقاله خویش به مراکز رافضی‌نشین، گروه‌های رافضی و اعتقادات ایشان نیز پرداخته است.^۲

۲-۱. دیدگاه کلبرگ

کلبرگ معتقد است که منشأ اصطلاح رافضه محل اختلاف است؛ لذا احتمالات متنوعی در پیشینه‌شناسی آن مطرح می‌کند و البته بدون تنظیم زمانی به صورت پراکنده در دو مقاله مورد اشاره قرار می‌دهد. دسته‌بندی پیشینه‌شناسی کلبرگ براساس تاریخ در دو مقاله می‌تواند به این صورت باشد که کلبرگ معتقد است، براساس گزارش شیعه امامیه، مضمون «رافضه» شاید برای اولین بار به دوره‌ای کهن‌تر در زمان ادریس نبی بازمی‌گردد.^۳ همچنین ریشه اولیه این واژه به زمان حضرت موسی علیه السلام بازمی‌گردد؛^۴ چراکه واژه «رافضه» در کتاب مقدس آمده و میان یهودیان آشنا بوده است.^۵ کلبرگ این مطلب را به یکی از روایات شیعی استناد می‌دهد که در آن امام باقر علیه السلام فرموده است: «هفتاد نفر از قوم فرعون، فرعون را رد کردند (رفضوا) و به موسی روی آوردند».^۶ کلبرگ اضافه می‌کند که براساس یک نقل، رافضه نخستین مصری‌هایی بودند که وقتی حقیقت را یافتند، با شجاعت کافی فرعون را ترک کردند و براساس نقلی دیگر، این افراد مصری نبودند؛ بلکه از بنی‌اسرائیل بودند که به

۱. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۳۴.

2. Kohlberg, "The Term "Rāfiḍa" in Imāmī Shī'ī Usage, p. 677; Kolberg, Al-Rāfiḍa, in The Encyclopaedia of Islam, p 386.

3. Ibid.

4. Ibid.

۵. احمد بن محمد ثعلبی، قصص الانبیاء، ص ۱۶۵.

۶. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ص ۱۱۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۲۷.

دین فرعون گرویده بودند.^۱ وی همچنین به این نکته اشاره دارد که بنا بر نقل‌هایی، رفض به دست سلیمان بن جریر، زید و دیگران رواج پیدا کرده است. مخالفان رافضه مدعی‌اند که رفض در یهودیت ریشه دارد.^۲

کلبرگ سپس به ادامه بیان پیشینه در تاریخ اسلام برمی‌گردد. او از فرقه‌نویسان نخستین امامیه این‌گونه نقل می‌کند که این نام را ابتدا مغیره بن سعید (م ۱۱۹ق/ ۷۳۷م) بر پیروان امام جعفر صادق علیه السلام اطلاق کرده است.^۳ سپس در هر دو مقاله این گمان را مطرح می‌کند که ریشه این واژه به قیام زید بن علی بازمی‌گردد و با تفصیل بیشتری این واژه را به شورش ناکام زید بن علی بر ضد امویان در سال ۱۲۲ق/ ۷۴۰م مرتبط می‌کند که در منابع متقدم نیز ذکر شده است.^۴ کلبرگ در همین زمینه می‌نویسد: ظاهراً ریشه‌های اصطلاح رافضه به قیام شکست‌خورده زید بن علی بر ضد امویان بازمی‌گردد... این قیام باعث جدایی جدی در صفوف شیعه شد؛ جدایی میان کسانی که دعوت زید را اجابت کردند (زیدیه نخستین) و کسانی که کارایی قیام مسلحانه را باور نداشتند (امامیه نخستین). گروه دوم را دشمنان‌شان به رفض و رد متهم زید کردند. گفته شده است آنها قبل از ترک (رفض)، با ناکامی از زید تقاضا کردند که آشکارا خودش را از/بویکر و عمر جدا کند و اعلام کند که آن دو، غاصبان مجرم‌اند.^۵

اما در انتهای مقاله، خود به این پیشینه نقد وارد می‌کند: اگر چنان‌که محتمل به نظر می‌رسد، این عنوان در قیام زید پدید آمده باشد، بنابراین، امام باقر علیه السلام (که پنج یا هشت سال قبل از قیام او فوت کرده بود) نمی‌توانست آن عنوان را شناخته باشد، و سخنان منسوب به او درباره رافضه می‌بایست برای دوره متأخرتری باشد. به همان دلیل، کاملاً گویاست که جعفر صادق علیه السلام که در حدود ۲۵ سال پس از عموی خود زید فوت کرده، قبلاً با این اصطلاح آشنا بوده است.^۶

۲-۲. نقد دیدگاه کلبرگ

کلبرگ در منابع تاریخی متقدم برای یافتن ریشه این اصطلاح به جست‌وجو پرداخته؛ اما با وجود استفاده وی از منابع متقدم، نتیجه حاصل شده قابل نقد است. وی در پیشینه‌شناسی این واژه احتمالاتی را مطرح می‌کند؛ اما اولاً پیشینه‌شناسی خود را بر اساس تاریخ مرتب نکرده و نوعی عدم انسجام در نقل‌های او به چشم می‌خورد و ثانیاً در نهایت به نتیجه روشنی دست نمی‌یابد. در نقد پیشینه‌شناسی کلبرگ نیز این نکته مهم است که وی میان معنای لغوی و اصطلاحی رافضه خلط

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ محمد بن محمد بن نعمان مفید، الإختصاص، ص ۱۰۱.

2. Kolberg, Al-Rāfida, in The Encyclopaedia of Islam, p. 386

به نقل از: حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۵۷-۵۵.

۳. ناشی اکبر، الأوسط فی المقالات، ص ۴۶؛ احمد بن حمدان ابوحاتم رازی، الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة، ج ۱، ص ۵۰۲.

4. Kohlberg, "The Term "Rāfida" in Imāmī Shīa Usage, p. 677.

5. Ibid.

کرده و نوع پیشینه‌شناسی او نیز ناشی از این خلط است. کلبرگ از آنجا که به لغت‌شناسی این اصطلاح نپرداخته و واژه رافضه را تنها در اصطلاح پیگیری کرده، در پیشینه‌شناسی نیز دچار نوعی آشفتگی شده است.

وی در پیشینه‌شناسی، این اصطلاح را به زمان ادريس نبی و حضرت موسی پیوند داده است؛ درحالی که واژه رافضه در آن زمان در معنای لغوی خود به کار رفته و در دوران پس از اسلام، در کاربردی اصطلاحی، درباره شیعیان یا گروهی از ایشان استعمال می‌شده است؛ چنان که در کتب شیعه نیز آمده است که ماجرای اولین کسی که رافضی نامیده شد، به دوران ادريس نبی بازمی‌گردد که بر طبق این داستان، پادشاه آن زمان به هرکس که کافر نبود، اصطلاح رافضی اطلاق می‌کرد؛^۱ اما رافضه در این نقل در معنای لغوی خود به معنای ترک‌کننده دین یا پیشوا و حاکم به کار رفته است. همچنین گفته شده است که نخستین بار، ساحران فرعون در هنگام ایمان آوردن به حضرت موسی علیه السلام رافضی نامیده شدند.^۲ این کاربرد نیز در معنای لغوی رافضه است.

اما کاربرد اصطلاحی رافضه را باید به گونه‌ای دیگر پیشینه‌شناسی کرد و به این مطلب پرداخت که ریشه استفاده از این واژه در اصطلاح خاص خود در چه زمان بوده است؟ براساس یک قول که کلبرگ نیز به آن پرداخته، مبدأ پیدایش این واژه، سال ۱۲۱ق (یا ۱۲۲ق) و در جریان قیام زید بوده است و از نظر برخی، به این علت افرادی رافضه نامیده شدند که در کناره‌گیری از زید در مذهب خود غلو کردند.^۳ از نظر شهرستانی، کناره‌گیران از زید به این دلیل رافضه نامیده شدند که عقیده زید را درباره جواز امامت مفضول با وجود افضل قبول نکردند؛ و عدم برائت وی از شیخین را شنیدند و بر سر این اختلاف او را ترک کردند^۴ بغدادی نیز در *الفرق بین الفرق* مخالفان زیدین علی را که از بیعت او خارج شدند، رافضه نامیده است.^۵

در برابر این دیدگاه، اشعری معتقد است که رد خلافت دو خلیفه اول و اعتقاد به وجود نص بر جانشینی حضرت علی علیه السلام رافض نامیده شده است^۶ که طبق این دیدگاه باید به دنبال این اصطلاح در زمان خلافت ابوبکر گشت؛ چراکه رافض خلیفه منصوب از سوی امت، از آن زمان آغاز شده است؛ چنان که بغدادی در *الفرق بین الفرق* خاستگاه واژه رافض را به زمان حضرت علی علیه السلام برگردانده و معتقد است که عده‌ای در همان زمان برای علی علیه السلام قائل

۱. ابوالحسن مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ص ۲۷.

۲. لَقَدْ حَدَّثَنِي الصَّادِقُ علیه السلام أَنْ أَوَّلَ مَنْ سُمِّيَ الرَّافِضَةَ السَّخَرَةُ الَّذِينَ لَمَّا شَاهَدُوا آيَةَ مُوسَى فِي عَصَاهُ آمَنُوا بِهِ وَاتَّبَعُوهُ وَرَفَضُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَاسْتَسْلَمُوا لِكُلِّ مَا نَزَلَ بِهِمْ فَسَمَّاهُمْ فِرْعَوْنَ الرَّافِضَةَ لَمَّا رَفَضُوا دِينَهُ فَالرَّافِضِيُّ كُلُّ مَنْ رَفَضَ جَمِيعَ مَا كَرِهَ اللَّهُ وَفَعَلَ كُلَّ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ (احمدبن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۷).

۳. عبدالرحمن رازی، الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۶؛ سعدبن عبدالله اشعری قمی، المقالات والفرق، ج ۱، ص ۱۶.

۴. محمدبن عبدالکریم شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۵۵.

۵. عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، ص ۲۱؛ جعفر سبحانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶. سعدبن عبدالله اشعری قمی، المقالات والفرق، ج ۱، ص ۱۶.

نتیجه گیری

کلبرگ در دو مقاله به اصطلاح‌شناسی رافضه و تعیین بار معنایی مثبت یا منفی برای این اصطلاح پرداخته و در پیشینه‌شناسی این اصطلاح، از طریق منابع کهن به یافتن ریشه‌های استفاده از این اصطلاح اقدام کرده است. او معتقد است که اصطلاح رافضه گاه بر همه امامیه و گاه بر امامیان نخستین اطلاق شده و لقبی است که اگرچه روزی عنوانی اهانت‌آمیز محسوب می‌شد، اما رفته‌رفته بار منفی خود را واگذاشته و به اصطلاحی افتخارآمیز از سوی شیعه امامیه بدل شده است.

در نقد دیدگاه وی می‌توان گفت، مشاهده دقیق منابع، این نتیجه را حاصل می‌کند که واژه «رافضه» منتخب اهل سنت برای شیعه امامیه بوده و خاستگاه آن در منابع اهل سنت است. اهل سنت به دلیل اعتقاد شیعه به منصوص بودن امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام، انکار خلافت خلفا، سب و تکفیر صحابه و محبت اهل بیت علیهم السلام، اصطلاح رافضه را به ایشان اطلاق کرده‌اند. در تحلیل محتوایی می‌توان گفت که اشتباه کلبرگ، غفلت از معناشناسی لغوی و شناخت ریشه لغوی این اصطلاح است؛ چراکه رفض در لغت به معنای ترک کردن بوده و به شیعه نیز به علت ترک خلفا نسبت داده شده است. همچنین برخلاف ادعای کلبرگ، مشاهده روایات، نشان‌دهنده انقلاب بار معنای رافضه از لقبی اهانت‌آمیز به لقبی مثبت و افتخارآمیز نیست؛ بلکه بعکس، شیعیان به ائمه علیهم السلام از کاربرد اهانت‌آمیز این اصطلاح شکایت می‌کردند و آن را موجب آزار خویش می‌دانستند.

کلبرگ در پیشینه‌شناسی نیز احتمالات متنوعی مطرح می‌سازد و از زمان ادریس نبی آغاز می‌کند؛ از دوران حضرت موسی می‌گذرد و در تاریخ اسلام به دنبال اطلاق این اصطلاح در جریان قیام زید و بعد از آن بر پیروان امام جعفر صادق علیه السلام می‌گردد و در نهایت قولی را بر نمی‌گزیند. اشکال پیشینه‌شناسی او به خلط معنای لغوی و اصطلاحی رافضه توسط وی بازمی‌گردد؛ چراکه این اصطلاح در طول تاریخ در خاستگاه لغوی خود به کار می‌رفته و در دوران پس از اسلام، در کاربردی اصطلاحی درباره شیعیان یا گروهی از ایشان استعمال می‌شده است.

منابع

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *الفتاویٰ الکبریٰ*، تحقیق حسین محمد مخلوف، بیروت، دارالنشر، بی تا.
- ابن حنبل، عبدالله بن احمد، *مسائل احمد بن حنبل روایت ابنه عبدالله*، بیروت، دارالنشر، ۱۴۰۱ق.
- ابن عابدین، محمدامین، *حاشیه ردالمختار علی الدرالمختار*، بیروت، دارالنشر، ۱۴۲۱ق.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دارالنشر، ۱۴۲۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم، *البحر الرائق شرح کنزالدقائق*، بیروت، دارالنشر، بی تا.
- ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، *الزینة فی الکلمات الاسلامیة العربیة*، قاهره، بی نا، ۱۹۵۷.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۹۶۳م.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش*، ۱۳۹۰، سال سوم، ش ۲ (پیاپی ۶)، ص ۱۵-۴۴.
- الویری، محسن، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۵۱-۸۶.
- بجیرمی، سلیمان، *حاشیه البجیرمی علی شرح منهج الطلاب*، بیروت، دارالنشر، بی تا.
- برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، نجف، بی نا، ۱۹۶۴م.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیة*، بیروت، دارالنشر، ۱۹۷۷م.
- ثعلبی، احمد بن محمد، *قصص الانبیاء*، بیروت، بی نا، بی تا.
- ذهبی، شمس الدین، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دار المعرفه للطباعة و النشر، ۱۳۸۲ق.
- رازی، عبدالرحمن، *الجرح و التعذیل*، بیروت، دارالنشر، ۱۲۷۱ق.
- رحمتی، محمدکاظم، «شیخ صدوق و نظریه تحریف قرآن»، *کتاب ماه دین*، ۱۳۸۰، ص ۴۶ و ۴۵، ص ۳۴-۶۱.
- سبحانی، جعفر، *الملل و النحل*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۶.
- سبکی، علی بن عبدالکافی، *فتاویٰ السبکی*، بیروت، دارالنشر، بی تا.
- سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، تحقیق محمود مطرجی، بیروت، دارالنشر، بی تا.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، چ سوم، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۴.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، چ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، ابومنصور، *الاحتجاج*، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- علوی، محمد بن علی بن حسین، *المناقب*، تصحیح حسین موسوی بروجردی، قم، دلیل ما.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
- کلیولی، عبدالرحمن بن محمد، *مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر*، بیروت، دارالنشر، ۱۴۱۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، بی نا، ۱۳۷۵.
- کوفی، فرات، *تفسیر*، نجف، بی نا، ۱۳۵۴ق.
- کلبگ، اتان، «نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، *کتاب ماه دین*، ش ۷ و ۴۸، ص ۶۴-۷۵.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- مسعودی، ابوالحسن، *اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب*، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإختصاص*، نجفی، بی نا، ۱۹۷۱م.
- _____، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره بین المللی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقدسی، محمدبن مفلح، *الفروع و تصحیح الفروع*، تحقیق ابوالزهراء حازم القاضی، بیروت، دارالنشر، ۱۴۱۸ق.
منتظری مقدم، حامد، «بازخوانی و نقد دیدگاه‌های کلب‌برگ و مدرسی طباطبایی دربارهٔ پیدایش تشیع اثناعشری»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ۱۳۹۹، ش ۴۸، ص ۱۰۳-۱۲۴.

منقری، نصرین مزاحمر، *وقعه صفین*، تصحیح هارون عبدالسلام محمد، چ دوم، قم، کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
ناشی اکبر، *الأوسط فی المقالات*، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.

نسائی، احمدبن شعيب، *خصائص امیر المؤمنین علی بن ابیطالب*، تهران، دارالتقلین، ۱۳۷۷ق.

نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۴ق.

Israel Friedlaende, "The Heterodoxies of the Shiites" in the Presentation of Ibn Hāzīm, *JAOS*, N. 29, p. 137-159, 1908.

Kohlberg, Etan, "The Term "Rāfida", in Imānī Shī'ā Usage", in *Journal of the American Oriental Society*, N. 99 (4), p. 677-679, 1979.

_____, "Al-Rāfida", in *The Encyclopaedia of Islam*, V. VIII, p. 386-389, Leiden, Brill, 1998.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی